



• تصویر ۲: نام مکان هتمتی که به صورت آوانگاری و با خط آغاز ایرانی جدید (یا خط عیلامی خطی) نوشته شده است (از چپ به راست ha-ta-m-ti خوانده شود؛ تصویر از فرانسوا دوسه)

«آغاز میخی» گرفته شده است یا به عنوان دختر «آغاز میخی»، در نظر گرفت، بلکه این دو خط خواهر هستند.

• با استناد به روش‌های تاریخ‌گذاری کنونی، به احتمال زیاد تشخیص زمان و مکانی که برای اولین بار در آنجا سیستم نگارش ایجاد شده، غیرممکن است؛ زیرا انتشار سیستم نگارش (یا انتشار ایده نوشتن به خط) احتمالاً به سرعت پس از ایجاد آن رخ داده است، حتی در طول عمر ۲۰ تا ۲۵ ساله یک نسل.

خط ایرانی «آغاز عیلامی» و خط میان‌رودانی «آغاز میخی» دارای چند ویژگی مشترک بودند (نشانه‌های شمارشی، سه سیستم شمارشی و برخی نشانه‌های شیء و واژه‌نگاری نادر؛ تصویر ۱۱، نکته ۲) و یک پیشینه مشترک را به ارث برده‌اند که همان الواح عددی کهن‌تری بودند که از سوریه تا ایران امروزی از حدود ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد شواهدی از آنها به دست آمده است. اما این دو خط با وجود ویژگی‌های مشترک، به‌طور کامل از هم متفاوت بوده‌اند. اگر چه به خاطر این نظریه توسط همکارانی که عمده تمرکزشان بر میان‌رودان است، مورد انتقاد قرار گرفته‌ام، اما فکر می‌کنم موضع من تاکنون از نظر علمی رد نشده و اشتباه بودن آن ثابت نشده است. با این حال، اگر از حفاری‌های جدید در عراق لوح‌هایی به خط آغاز میخی به دست آید که به‌صراحت در حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد یا زودتر از آن تاریخ‌گذاری شوند، مایل‌م درباره این نظریه تجدید نظر کنم. در حال حاضر، این نظریه با توجه به داده‌های موجود، منطقی‌ترین است.

تا به امروز ما از وجود ۱۶۰۰ لوح «آغاز عیلامی» آگاهیم که فقط در ایران عمده آنها (۱۵۰۰ لوح یا ۹۴ درصد) در شوش و از اوایل سده ۲۰ به دست آمده‌اند. این الواح که احتمالاً توسط انبارداران و برای اهداف اداری و حسابداری استفاده می‌شده‌اند، شامل اطلاعاتی در باره مدیریت کالا از قبیل غلات، دام و برده‌هاست. بنابراین بر اهمیت

متغییر عددی ثبت شده در این متون کاملاً واقف هستیم و به همین دلیل می‌توان گفت که این الواح تا حدی خوانده می‌شوند. از سوی دیگر، بخش مهمی از این اسناد رمزگشایی نشده باقی می‌ماند؛ از جمله توالی‌های نشانه‌هایی که احتمالاً با نوشته‌های واژه‌نگاری و آوانگاری (سیستم ترکیبی)، نام افراد دخیل در معاملات را نشان می‌دهند (تصویر ۱۸).

بر مبنای این فرضیه که خطوط آغاز عیلامی و عیلامی خطی به ترتیب مرحله قدیمی (۳۳۰۰-۳۰۰۰ پ.م) و مرحله جدید (۲۳۰۰-۱۸۸۰ پ.م) از یک سیستم نگارش یکسان هستند، من پیشنهاد می‌کنم از دانش «جدید» خود درباره «مرحله جدید» استفاده کنیم تا زمانی که این همتایان گرافیکی با ارزش آوایی استفاده می‌شده‌اند، به روش وارونه و به کمک ارزش‌های آوایی به‌دست‌آمده در عیلامی خطی، همتایان گرافیکی آن در خط آغاز عیلامی را رمزگشایی کنیم (تصویر ۱۱، نکته ۴؛ تصویر ۱۹).

این رویکرد «مبتنی بر سیستم نگارشی» را می‌توان با «رویکرد زبان‌شناختی» تلقی کرد. نام‌های خاص احتمالی ثبت شده در الواح آغاز عیلامی اکثراً متعلق به مردم ساکن شوش است. خط میخی میان‌رودان در حدود سال ۲۳۰۰ پیش از میلاد در زمان ضمیمه شدن آن توسط امپراتوری آکد، به این شهر وارد شد. از آن زمان به بعد، نام‌های خاص ساکنان شوش با اکثریت ظاهراً آکدی و اقلیت عیلامی بر الواح میخی (در قراردادهای فروش، سندهای ازدواج، اسناد وراثت و...) ثبت شده‌اند. با فرض اینکه روش‌های نام‌گذاری و مجموعه نام‌های خاص مردم شوش تغییر چندانی نکرده باشد، نام‌هایی که از سال ۲۳۰۰ پیش از میلاد به خط میخی نگاشته شده‌اند، ممکن است در خواندن نام‌های حک شده در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در الواح آغاز عیلامی به ما کمک شایانی کنند (تصویر ۱۱، نکته ۳).

بنابراین با تکیه بر رویکرد «مبتنی بر سیستم نگارشی» (تصویر ۱۱، نکته ۴) و رویکرد «مبتنی بر زبان» (تصویر ۱۱، نکته ۳)، نام‌های خاص ساکنان شوش در پنج هزار سال پیش را می‌توان خواند یا حداقل به بخش‌هایی که آوایی نوشته شده‌اند، دست پیدا کرد. نتیجه این کار دستیابی به کهن‌ترین اطلاعات زبان‌شناختی موجود در جهان خواهد بود. عمده نگارانی من درباره بخش‌های واژه‌نگار این توالی‌های مربوط به نام‌های خاص است (که ظاهراً در ابتدای توالی نشانه‌ها می‌آیند) که باید با اتکا بر دانش‌مان از مجموعه نام‌های خاص مردم شوش این واژه‌نگارها را خواند. از این منظر، خط آغاز ایرانی قدیم (آغاز عیلامی) احتمالاً یک سیستم ترکیبی بوده است که در هزاره سوم پیش از میلاد (مرحله میانی) بخش‌های واژه‌نگار خود را از دست داده است؛ پیش از تبدیل شدن به سیستمی کاملاً آوانگار در مرحله آغاز ایرانی جدید (عیلامی خطی)، حداقل از حدود ۲۳۰۰ پیش از میلاد.

۷- گزاره‌ای تازه؛ اصطلاحی جدید به‌عنوان نتیجه؛ هتمتی به جای عیلام

مقاله را با یادداشتی درباره اصطلاحاتی که در حال حاضر استفاده می‌شود، به پایان می‌برم. پیشنهاد می‌کنم هنگام اشاره به فلات ایران مفهوم جغرافیایی میان‌رودانی عیلام - به معنای «بلندی‌های شرقی» - را کنار بگذاریم؛ به‌ویژه زمانی که از دید خود ساکنان این فلات صحبت می‌کنیم. استفاده از برجسب عیلام برای مردمان و تمدن و سرزمین در آن دوره همچون استفاده از اصطلاحی کنونی مانند «فلات ایران» برای آن دوره یا حتی گمراه‌کننده‌تر است؛ چراکه این تصور را ایجاد می‌کنند که عیلام واژه‌ای درست برای آن دوره بوده؛ حال آنکه این اصطلاح هیچ ارتباطی به دیدگاه مردم ساکن فلات ایران در آن زمان از خودشان نداشته است. در مقابل، نام اسرارآمیز هتمتی که دست‌کم از زمان پوزور-سوشیناک در سده بیست و دوم پیش از میلاد استفاده می‌شده است، می‌تواند نقش یک مرجع فرهنگی، قومی و تاریخی خاص را ایفا کند (تصویر ۲۰). البته از منظر جغرافیایی، متون شناخته شده آغاز ایرانی قدیم (آغاز عیلامی) و آغاز ایرانی جدید (عیلامی خطی) در حال حاضر تنها در مرزهای سیاسی ایران کنونی یافت شده‌اند. برجسب خط آغاز ایرانی نباید به‌هیچ‌وجه بهانه‌ای برای سوءاستفاده از احساسات ملی‌گرایانه در عصر حاضر شود؛ چراکه به‌عنوان پژوهشگر هدف این پژوهش، هیچ ارتباطی به احساسات ملی‌گرایانه گروه یا قوم خاصی نداشته و تنها به دنبال حقایق تاریخی هستیم.

بنابراین، با احترام به تمامی پژوهشگران در این زمینه، اصطلاح‌های



• تصویر ۲۱: جزئیات طرف نقره‌ای کونانکی با جدیدترین کتیبه نوشته شده به خط آغاز ایرانی جدید (متن K)، در زمان لیکاو (likawe) بزرگ (sukkalmah) پلای-یشان در حدود ۱۹۰۰ تا ۱۸۸۰ پیش از میلاد؛ عکس از فرانسوا دوسه. تصویر ۷ ادر سمت راست.